

تبیین شاخص‌های گفتمانی و نمادین گروهک تروریستی جیش‌العدل در تعارض با جمهوری اسلامی ایران

سعید حاجی ناصری*
سید محمدحسین اکرمیان**

چکیده

سیستان و بلوچستان به عنوان بزرگترین ناحیه اقلیت مذهبی کشور با تراکم بالای قومیتی و وجود ساختار اجتماعی طایفه - قبیله‌ای، همیشه منطقه‌ای مناسب برای شکل‌گیری گفتمان‌های مشروعیت‌بخش خشونت‌بار تلقی می‌گردیده است که این خشونت‌ها یکی از بزرگترین چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مرزهای داخلی کشور محسوب می‌گردد. این نگاشته با دیدی توصیفی - تحلیلی و استفاده از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف، گفتمان مشروعیت‌بخش گروهک تروریستی جیش‌العدل را در سال ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار می‌دهد و در این راه با تحلیل بیانیه‌ها و استفاده از منابع دست اول، شاخص‌های نمادین مشروعیت‌بخش این گروه را معرفی کرده تا با هدفی کاربردی، شرایط را برای برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های هویتی و گفتمانی در جهت ناکام گذاشتن این عناصر مشروعیت‌بخش فراهم آورد تا گامی در جهت تحکیم مبانی انقلاب در این استان برداشته شود. شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و بیانیه‌های تروریستی این گروه در سال ۱۳۹۳ می‌باشد.

واژگان کلیدی

تروریسم سیستان و بلوچستان، جیش‌العدل، گفتمان لاکلا و موف، ریشه‌های هویتی - سازهانگاران خشونت.

saeedhajinaseri@yahoo.com
wswaki@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۲۵

*. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران.
**. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران.
تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۸

مقدمه

آمارها و داده‌های حوادث تروریستی ایران حاکی از آن است که در دهه اخیر شاهد شدت‌گیری خشونت‌های تروریستی^۱ در جنوب شرقی ایران اسلامی بوده‌ایم. پس از سال ۱۳۸۲ و شکل‌گیری گروهک تروریستی جندالله میزان خسارات امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به منطقه جنوب شرق ایران که پیش از آن نیز با کم‌توسعه‌یافتگی روبه‌رو بوده، شدت یافته است. پس از دستگیری رهبری این گروه تروریستی، زمینه‌ها و ساختارهای خشونت در این استان همچنان پابرجا باقی مانده و درگیری‌های امنیتی یک دهه گذشته در این استان، نشان داده که راه حل ریشه‌ای مقابله با گروه‌های تروریستی، امری فراتر از استراتژی‌های نظامی - عملیاتی می‌باشد و عناصر گفتمانی مشروعیت‌بخش این گروه‌ها را می‌بایست مورد مطالعه علمی قرار داد.

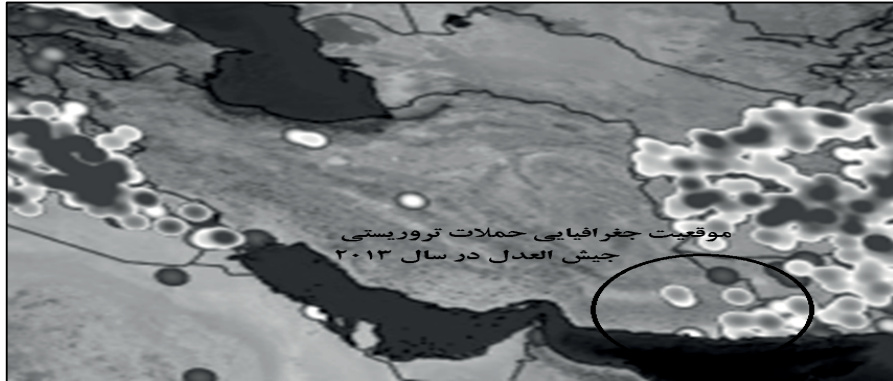
گروهک تروریستی جیش‌العدل که پس از افول جندالله، سعی در تثبیت گفتمان مسلط خویش در جامعه بلوچ دارد، خود را به عنوان جنبشی تدافعی - هویتی - مذهبی - مادی معرفی می‌کند که ادعای نمایندگی قومیت و در مقیاس بزرگ‌تر، اهل سنت ایران را داراست. برای تحلیل گفتمان حاکم بر این گروه تروریستی از تحلیل گفتمان لاکلا و موف استفاده می‌گردد.

دال در نظریه این اندیشمندان به عنوان مفهومی اساسی مورد تحلیل واقع می‌شود. جهان اجتماعی در این نظریه در قالب معنا ساخته می‌شود و دال‌های اجتماعی به عنوان مفاهیمی که در هر گفتمان معنا می‌یابند، برای ساخت هویت مورد استفاده قرار می‌گیرند. تثبیت دال‌ها در نظریه گفتمان راهی برای ساخت جهان اجتماعی می‌باشد و معناهایی که در جامعه تثبیت نگردیده‌اند به عنوان دال‌های شناور، توسط گفتمان‌های متعارض مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

عدم وجود پایگاه مشخص و معین نزد قومیت بلوچ و عدم حمایت افکار عمومی از این گروهک تروریستی موجب گردیده که این گروه برای رسیدن به خواست‌های پنهانی خویش، تمام تلاش گفتمانی را مبذول دارد تا شرایط مشروعیت‌بخش را از طریق تثبیت دال‌های شناور قومی در پیرامون دال مرکزی نمادین عدل - عدم تبعیض فراهم آورده و از این طریق خود را به عنوان جنبشی مردمی معرفی کند: «ملت عزیز بلوچ و اهل سنت بایست راه مبارزه و مقاومت را در پیش گیرند و راه رسیدن به عدل، همراهی با مبارزین است». (۲۲ شهریور ۱۳۹۳)

۱. خشونت تروریستی است که از پیش برنامه‌ریزی شده باشد و با هدف ایجاد ترس، رعب و وحشت شدید صورت پذیرد. این گونه از خشونت، مخاطبان گسترده غیر نظامی را نیز شامل می‌گردد. خشونت تروریستی به صورت خلاف عرف جاری جامعه صورت می‌گیرد و هنجارهای اجتماعی را به صورت کلی زیر سؤال برده و خشم گروهی را نسبت به وضع موجود نشان می‌دهد. تروریست‌ها با استفاده از این پدیده درصدد استفاده ابزاری از خشونت می‌باشند تا بتوانند اهداف خویش را در سطح جامعه بیان کرده و به منافع گروهی خاصی برسد. در خشونت تروریستی، گروه با الهاماتی که به پیروان می‌دهد، آنان را برای تقلید حملات خشونت‌آمیز، ایجاد نفرت عمیق و تشنگی جمعی برای انتقام آماده می‌سازد و از این طریق سعی در تضعیف دولت‌ها و مؤسسات نهادی به عنوان دشمنان هویتی دارد. (Wilkinson, 2001: 206)

در رویکرد گفتمانی، واقعیت‌های اجتماعی توسط گفتمان ساخته می‌شود^۱ و سؤال اصلی در این نگاه‌سته این‌گونه مطرح می‌شود که گروهک جیش‌العدل از چه معانی گفتمانی (دال) به منظور تعریف خویش برای اعضا سود می‌برد و راهبرد ریشه‌ای و گفتمانی مقابله با این گروه چه می‌باشد. از این رو این نگاه‌سته سعی دارد با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف، بیانیه‌های مشروعیت‌بخش این گروهک را در سال ۱۳۹۳ مورد واکاوی علمی قرار می‌دهد و در پایان، راه ریشه‌ای حل معضل تروریسم در استان سیستان و بلوچستان را در بهبود شرایط مشروعیت‌بخش هویتی خشونت در این استان بر طبق نظریه جان برتون جستجو کند.



پایگاه جهانی تروریسم (آمار سال ۲۰۱۳ تروریسم در ایران)

چهارچوب نظری

ارنستو لاکلا و شانتال موف با انتشار کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی توانستند نظریات زبان‌شناختی تحلیل گفتمان را به عرصه‌های فرهنگ، اجتماع و سیاست بکشانند تا با استفاده از این رویکرد بتوان با صورت‌بندی نظام‌مند مفاهیم زبان‌شناختی (دال)، پدیده‌های سیاسی را تبیین کرد.

اگرچه اصطلاح گفتمان، دارای ابعاد گسترده و وسیعی می‌باشد و امروزه کاربردهای مختلف این واژه، ابهام در معنا یا معانی متضاد آن را به همراه آورده است. (Norrick, 2001: 19) اما در رویکرد این دو متفکر، گفتمان‌ها به عنوان دستگاه‌هایی بینشی معرفی می‌گردند که با استفاده از واژه‌ها، گفتارها و نوشتارهای نهادینه شده، بر ذهنیت افراد جامعه تأثیر گذارند.

در نظریه این دو اندیشمند، تمایز امور گفتمانی و فرا گفتمانی در دستور کار قرار می‌گیرد و اعلام می‌نمایند که تمامی پدیده‌های اجتماعی خصلتی گفتمانی دارند و قابلیت شناسایی این پدیده‌ها با گفتمان

۱. انتقادهای بسیاری بر این نظریه وارد می‌باشد و در رویکرد اسلامی - توحیدی واقعیت‌های اجتماعی امری بر ساخته اجتماعی نمی‌باشد، اما این رویکرد به دلیل مشخص ساختن فضای سیاسی استان سیستان و بلوچستان مابین گفتمان گروه‌های تروریستی و گفتمان حکومتی می‌تواند ما را در ارائه راهبردی گفتمانی در جهت مقابله با این گفتمان تروریستی یاری سازد.

امکان‌پذیر است. (Laclau, Mouffe, 1985: 82-84) از این رو، در این رویکرد سعی می‌گردد تا با پیدا کردن مجموعه‌ای از مفاهیم معنایی به هم پیوسته، ساختار نظام‌مند این مفاهیم در معنابخشی به پدیده‌های اجتماعی و سیاسی را معین ساخت.

در رویکرد گفتمانی مفهوم دال (مفاهیم زبانی) بسیار با اهمیت است؛ دال‌ها عناصری اجتماعی - زبانی می‌باشند که بدون گفتمان، معنایی نخواهند داشت و زمانی که مبدل به یک هویت و گفتمان گردند و در پیرامون دال مرکزی قرار گیرند، جهان اجتماعی را برای اعضا شکل می‌دهند. لاکلا و موف با اعلام گفتمانی بودن همه امور معنادار و اجتماعی، ضمن تأکید بر حضور همه‌جا گسترده قدرت، خارج از گفتمان امری قابل فهم یا در واقع معنادار را برای انسان متصور نیستند و در رویکرد گفتمانی هر ابژه‌ای به عنوان یک ابژه گفتمانی بر ساخته می‌شود. (ibid: 108) از این رو دغدغه اساسی این نظریه بر این اساس است که مردم در جوامع مختلف چگونه هویت خویش را تعریف می‌نمایند و با این تعاریف چه الگویی از رفتار را پیگیری می‌کنند. (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۲۰۷)

در نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف، حوزه گفتمان‌گونی بین دال‌ها قرار دارد که همواره عناصری هستند که در گفتمان به کار برده شده‌اند، اما به وقت تبدیل نگردیده‌اند. این عناصر همواره امکان ورود به ساخت‌های گفتمانی و تغییر شکل‌بندی آن را دارا می‌باشند و دال را همیشه ترغیب به شناور بودن می‌کنند. (Laclau, Mouffe, 1985: 112)

از آنجایی که نوعی تکثیر و ازدیاد دال‌های شناور در جامعه وجود دارد و رقابت سیاسی می‌تواند به مثابه رقابت نیروهای رقیب سیاسی برای تثبیت نسبی دال‌های مذکور در قالب پیکارهایی خاص باشد، تثبیت نسبی رابطه دال‌ها تحت عنوان هژمونی معرفی می‌گردد. (Laclau, 1993: 48) هژمونی، مکانیزم توفیق یک نیروی سیاسی در کسب سلطه بر نیروهای دیگر است و این مفهوم، محور مبارزات و کنش‌های حوزه سیاست و مبین و معرف موفقیت یا شکست نیروهای سیاسی در اعمال و تحمیل خواسته‌هایشان است.

این دیدگاه اگرچه مورد انتقادهای جدی قرار گرفته و با جهان‌بینی اسلامی دچار تعارضاتی است، اما با استفاده از تحلیل زبان شناختی - گفتمانی، می‌توان با پیدا کردن مجموعه‌ای از دال‌ها در یک شبکه روابط معنایی خاص در گفتمان گروه‌های تروریستی، سعی در هویت‌شناسی این گروه‌ها داشت و از این طریق گامی در جهت مقابله ریشه‌ای با این پدیده برداشت.

نظریه گفتمان نشان می‌دهد که چگونه این گروه‌ها با استفاده از دال‌های گفتمانی چون عدل قومی، انتقام، وحدت اهل سنت، فقر قومی، ادعای تبعیض‌های مذهبی - هویتی و ... سعی در بسیج منابع در تقابل و تعارض با مفاهیم ملیت‌گرایی، امنیت داخلی، از جان گذشتگی برای اهداف ملی - دینی در گفتمان نظام جمهوری اسلامی ایران دارند. فرضیه این نگاشته بر این اصل استوار است که گروه‌های تروریستی در این استان درصدد هستند تا با تثبیت موقت دال‌هایی در تعارض با دال‌های مسلط جامعه، سعی در هژمونیک

شدن (سلطه معنایی - گفتمانی) در نزد افراد غیر مطلع قومی داشته باشند و از این طریق در سطح افکار عمومی پیروان خویش پذیرش پیدا کنند و یا در واقع با انسداد هر چند موقتی در معنای نشانه برای خویش هژمونی را حاصل نماید. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۳)

شاخص‌های گفتمانی گروهک تروریستی جیش‌العدل

پس از دستگیری عبدالمالک ریگی (سرکرده گروه تروریستی جندالله) و غافل‌گیری اعضای این گروه تروریستی در جانشینی، برای سرکردگی اختلافاتی پیش آمد و با وجودی که عبدالرئوف ریگی (برادر عبدالمالک ریگی) زنده بود، سازمان شخصی به نام محمد ظاهر و با نام مستعار صلاح‌الدین فاروقی را سرکرده گروهی ساخت که پس از این جیش‌العدل نام داشت. این نگاشته سعی می‌نماید تا با خوانش مجدد بیانیه‌های این گروه در سال ۱۳۹۳، ویژگی‌های گفتمانی این گروه را مشخص کند تا از این طریق در شناخت بهتر و مقابله ریشه‌ای با گفتمان آن مؤثر و کاربردی گردد.

از این رو پس از مطالعه بیانیه‌های این گروه در سال ۱۳۹۳ می‌توان موارد زیر را به عنوان شاخص‌های اصلی و عناصر تعریف‌کننده و تمیز دهنده این گروه معرفی کرد:

- ادعای استقلال در مبارزات و مردمی بودن: این سازمان در عین وابستگی به منافع خارجی و منافع داخلی برخی متنفذین، سعی می‌کند اهداف خشونت‌بار و خشن خویش را تحت عنوان مردمی، دموکراتیک بودن و در صدد کسب حاکمیت قومی معرفی نماید و هدف استراتژیک خویش را «خودمختاری در چارچوب ایرانی معرفی کند» (بیانیه ۱۵ شهریور ۱۳۹۳) و در این راستا اعلام کند که به هیچ منافع گروهی و بین‌المللی متصل نیست و دال استقلال در مبارزات و عدم پیروی از دیگر گروه‌ها و کشورها را موقتاً برای خویش تثبیت کند.

- دال دموکراتیک و پابندی به هنجارهای انسانی: این گروه در عین خشونت‌زدگی بی‌اندازه و عدم توجه به حقوق انسانی - ملی، در گفتمان نمادین خویش سعی می‌کند تا خود را با وجهه‌ای دموکراتیک نشان دهد و با ادعای حق دفاع مشروع برای خویش، نزد افراد در حاشیه مانده و دارای محرومیت نسبی - مطلق در جامعه قومی، خود را دارای مشروعیت کند. این گروه در تصاویر رسانه‌ای که از برخورد با اسرا در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌سازد، سعی در نشان دادن نوعی رأفت و مهربانی با دشمن دارد و درصدد است تا مردمی - دموکراتیک بودن و سعه صدر در مواجهه با دشمن را از طریق تصاویر نمایشی و ساختگی به مخاطب منتقل سازد.^۱ توجه به تصاویر رسانه‌ای به شکلی در گفتمان این گروه با اهمیت است که در بیانیه خویش اعلام می‌دارد:

فیلمی از نحوه نگهداری اسرا و اخلاق اسلامی مجاهدین در برخورد با اسرا را به نمایش خواهیم گذاشت و مردم ایران و دنیا را متوجه خواهیم ساخت که انسانیت و صداقت را در دستان

۱. این گروه در تصاویر رسانه‌ای که از گروگان‌های خویش در رسانه‌های اجتماعی نوین پخش می‌کنند، نشانه‌های از مهربانی و رأفت نمایشی را در دستور کار دارد و در این تصاویر به اسراء کباب داده می‌شود و یا با آنان والیبال بازی می‌شود.

مظلومین بجوید که در عین داشتن قدرت و توانایی با اسرا و زندانیان خویش چگونه با مهریانی و رافت و اخلاق برخورد می‌نمایند. (بیانیه ۱۷ فروردین ماه ۱۳۹۳)

از سوی دیگر، سعی دارد با استفاده ابزاری از آزادی اسیران، خود را به صورت پوشالی متعهد به اصول دموکراتیک جهانی نشان دهد:

سازمان جیش‌العدل اعلام می‌دارد که آزادی پاسداران اسیر در بند بنا به احترام به تقاضاهای مردم ایران و جامعه بین‌المللی و سازمان‌های حقوق بشری، بزرگان اهل سنت و بلوچستان، اسیران را آزاد کرد و بدینوسیله احترام به منشور جهانی حقوق بشر و قرارداد ژنو درباره حقوق اسیران را نشان داد. (بیانیه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۹۳)

- دال قانون‌مداری و نظم درون‌گروهی: این گروه اعلام می‌کند برنامه‌ای مشخص در جهت اهداف، روش‌ها، شیوه‌های اجرایی - عملیاتی و سازمانی خویش دارد و در صورت عدم اجرای قانون توسط اعضا، طیفی از ارشاد، تنبیه و طرد خطاب به اعضا صورت می‌گیرد. جیش‌العدل از این طریق خود را گروهی دارای نظم‌گفتمانی تلقی می‌کند و این نظم را به عنوان یکی از ویژگی‌های متمایز کننده از دیگر گروه‌ها معرفی می‌نماید. به عنوان مثال می‌توان از جدیتی که بر قانون گروهی وجود دارد در این بیانیه اشاره کرد:

هیچ یک از افراد سازمان حق سرپیچی از اصول و ضوابط تعیین شده را ندارند و چنانچه افرادی دچار انحراف از مسیر و خط مشی مبارزاتی سازمان گردند به شدت مورد مواخذه قرار خواهند گرفت. با افراد خاطی و یا سوءاستفاده‌کنندگان از نام و قدرت سازمان برخورد می‌شود. (شنبه ۱۵ شهریورماه ۱۳۹۳)

- التزام به قانون دیگر کشورها: این گروه در تبیین استراتژی امنیتی تروریستی خویش اطلاع از شرایط محیطی در تصمیم‌سازی‌ها را دارد و به خوبی می‌داند که برای مبارزه مسلحانه با دولت قدرتمند جمهوری اسلامی ایران می‌بایست از هرگونه تنش، تضاد و مناقشه بین خود و دیگر کشورهای منطقه جلوگیری کند. این گروه متوجه است از آنجایی که پناهگاه‌هایی فراملی دارد، می‌بایست شرایط را برای تداوم خویش مهیا کرده و از تنش با کشورهای افغانستان و پاکستان جلوگیری به عمل آورد. از این رو به جز مبارزه با گفتمان انقلاب اسلامی ایران قصد مبارزه دیگری را معرفی نمی‌کند:

سازمان جیش‌العدل با هیچ ملت، دولت، حزبی دیگر بنای دشمنی و درگیری را ندارد. سازمان، قصد هیچ‌گونه دخالت و درگیری با هیچ گروه و ملتی ندارد و به هیچ عنوان در امور داخلی کشورهای همسایه دخالت نکرده و در آینده نیز بر این اصل استوار است. (بیانیه ۱۵ شهریور ۱۳۹۳)

از این رو می‌توان یکی از عواملی که دولت پاکستان را برای مبارزه با این گروه ترغیب نمی‌کند را نیز همین مسئله دانست که این گروه تعهد به قوانین داخلی این کشور را در دستور کار خویش قرار داده و تعهد کرده

که بر ضد امنیت ملی در این کشور عملی را انجام ندهد.

- ادعای عدم اجازه سوء استفاده از سازمان: این گروه تروریستی سعی دارد با تثبیت دال نظم درون‌گروهی و تمرکز بر هدف - دشمن نشان دهد که هر گونه سوء استفاده از نام گروهک تروریستی را غیر مجاز می‌داند و «با افرادی که با سوء استفاده از نام سازمان دست به بحران زده و آزار و اذیت و سد راه دیگر گروه‌ها کردند و قصد سوء استفاده از نام و قدرت سازمان داشته باشند، سازمان برخورد خواهد نمود». (بیانه ۱۵ شهریور ۱۳۹۳) این گروه می‌داند که اگر خشونت که بر ضد نیروهای دولتی به کار می‌بندد را درگیر مسائل درون‌گروهی بنماید، شرایط را برای عدم مشروعیت ساختگی خویش مهیا می‌سازد.

- دال دشمن: این گروه تروریستی دید خود را فراتر از زمان حال می‌داند و «سازمان با دیدی فراتر از مشکلات و با نگاه به آینده مبارزات» در صدد تصمیم‌سازی برای بقاء خویش است و تمرکز خود را تنها بر دشمن دارد. (بیانه ۶ شهریور ۱۳۹۳) از این رو از مفهوم «دیگری» و تضاد ناشی از آن را برای بازتولید مشروعیت خویش استفاده می‌کند. در اندیشه لاکلا و موف، گروه‌های هویتی درون گفتمان‌ها شکل می‌گیرند و با سازماندهی خاص اجتماعی، انسان‌ها برخوردار از هویت‌هایی خاصی می‌گردند. به تأثیر از ژاک دریدا، لاکلا و موف هویت‌های سیاسی را به صورت سلبی - منفی و بر اساس نظام تفاوت‌ها معرفی می‌کنند و هر هویتی مانند واژگان فقط در ارتباط با هویت‌ها و گروه‌های دیگر معنا می‌یابد.

- دال وحدت درونی: یکی از مهم‌ترین دال‌های شناور گفتمان گروه تروریستی جیش‌العدل که در سال ۱۳۹۳ به نحو فزاینده‌ای نیز با آن درگیر بوده‌اند، عدم شکل‌گیری شکاف درون گفتمانی با دیگر گروه‌های تروریستی در این استان می‌باشد. بیانه‌های این گروه اجازه شکل‌گیری اختلاف درونی را نمی‌دهد و به شدت از این اتفاق هراسناک است و سعی در بازتولید دال وحدت، پیرامون دال مرکزی عدل به رهبری گروه جیش‌العدل را دارد. از این رو می‌توان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این گروه تروریستی، شکل‌گیری تنش داخلی درون گروهی است و این موضوع را به خوبی می‌توان در بیانه این گروه در مورخ ۸ شهریور مشاهده کرد.

همان‌طور که بیان شد، گروه جیش‌العدل پس از درهم پاشیدن گروهک جندالله سعی کرد تا بسیاری از اعضای با تجربه این گروه را در جهت رسیدن به خواست‌های خویش به کار گیرد و از این رو در معنایی عام، دارای گفتمان یکسانی با گروهک تروریستی جندالله بوده است و تنها در شیوه‌های عمل دارای تفاوت‌هایی است که می‌تواند موضوع مقاله‌ای مجزا گردد. این سازمان در بیانه مرگ عبدالرئوف ریگی (جانشین عبدالمالک ریگی سرکرده گروهک تروریستی جندالله) این حادثه را تروری از سوی نیروهای امنیتی و در جهت شکاف درون‌سازمانی می‌خواند و بر این اعتقاد است که با آتش اختلافات، موجودیت سازمان دچار از هم گسیختگی خواهد شد.

ترس از انشقاق درون‌سازمانی این گروه به قدری بوده است که جدایی عبدالرئوف و جیش‌النصر بر پایه «مشکلات سوء برداشت، اختلاف سلیقه، نوع نگاه به آینده مبارزه و میدان عمل» (بیانه ۸ شهریور ۱۳۹۳) معرفی می‌گردد و سازمان این جدایی و اختلاف را برای خویش به شدت خطرناک می‌بیند و با مذاکرات و داد

و سندهای سیاسی، سعی در بازگشت این گروه و متحد شدن با آن در یک سکوی گفتمانی نمادین و پوشالی قومی دارد. این نوع نگرش گروه نشان از این دارد که جیش‌العدل درصدد ایجاد انحصار مشروعیت در گفتمان خویش است و از آنجایی که تداوم خویش را در حفظ گفتمان پوشالی بازیابی حقوق قومی می‌داند، بر عنصر عدم تفرقه داخلی و تعهد به بیانیه‌های گفتمانی خویش تأکید می‌نماید. از این رو گروه از این انحصار در جریان شدت بخشیدن به مبارزات نیز سود می‌برد و «سازمان، خواهان اتحاد بین همه نظرات و گروه‌های سیاسی نظامی بر روی یک سکو» می‌باشد. (بیانیه ۵ مرداد ۱۳۹۳) این سکو چیزی جز گفتمان غالب بر گروهک تروریستی جیش‌العدل در مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی نیست.

- دال سلسله مراتب ساختاری: از آنجایی که این گروه دارای ساختاری بی‌بنیان و سست است، ترس از نفوذ ساختاری در این گروه بالا می‌رود و از این رو «با تدابیر شدید امنیتی و اتخاذ مراحل گوناگون گزینش» (بیانیه ۸ شهریور ۱۳۹۳) قصد جلوگیری از نفوذ به ساختارهای گروه دارد. گروه تروریستی در بیانیه‌ای بر این اعتقاد است که در گفتمان گروه «جیش‌النصر» توسط گفتمان انقلاب اسلامی نفوذ صورت گرفته که باعث جدایی این دو گروه گردیده است. (بیانیه ۸ شهریور ۱۳۹۳) از این رو این گروهک سعی می‌کند با تثبیت دال سلسله مراتب منظم در اذهان طرفداران برای خویش وجهه آفرینی کند.

- استفاده از جنگ ارتباطات: این گروه خود را متعهد به انجام جنگ رسانه‌ای می‌داند. به اعتقاد آنها رسانه‌های دولتی درصدد «تشویش افکار عمومی و تخریب چهره سازمان می‌باشند» (بیانیه ۸ شهریور ۱۳۹۳) و این سازمان خود را متعهد به توجیه افکار عمومی می‌داند و با نگاهی استراتژیک به آینده و تأکید بر ادعای پوشالی - نمادین مظلومیت قومی، در جهت مشروعیت انحصاری سازمان تلاش می‌کند. این گروه بنا بر اهمیت افکار عمومی، «تبلیغات گسترده دشمن را به شدت رد می‌نماید و نگاه سازمان تنها به آینده مبارزات، مظلومیت ملت بلوچ و عدم سوء استفاده دشمن از درگیری‌های درون گروهی است» (بیانیه ۸ شهریور ۱۳۹۳) از این رو، این گروه در فضای مجازی به نحو گسترده‌ای فعال و از این طریق در جذب نیروهای منفعل سود می‌برد.

- دال فضایل معنوی تروریسم: این گروه با شناخت کامل از جامعه سنتی - مذهبی بلوچستان و استفاده ابزاری از اعتقادات مردم به خوبی می‌داند که در جهت تثبیت گفتمان خویش بایست از شعائر و احساسات مذهبی عوام سود بجوید و آن را در مقابل گفتمان مسلط جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. این گروه در بسیاری از بیانیه‌های خویش، از فضائل معنوی برای نهادینه‌سازی تروریسم نزد اعضا سود می‌برد:

شهادت در راستای اهداف مقدس امری مبارک، میمون و نتیجه اخلاص و مزد زحمات است. ...
شهادت حیاتی دوباره و جاودانه است و روشنگر مسیر و اهدافی است اسلامی که بیانگر نجات است و آزادگی. (بیانیه ۲۹ خرداد ۱۳۹۳)

استفاده وسیع از آیات قرآن که ارتباط معنایی با مفاهیم شهادت، جهاد، اجر اخروی، تلاش مسلحانه و ... دارد

به این گروه وجهه نمادین و ابزاری دینی می‌بخشد و در محیط سنتی بلوچستان از این طریق می‌توانند با ساخت سرمایه نمادین تکفیری و استفاده از اسطوره، ذهن نیروهای کم اطلاع و احساس زده خویش را کاملاً به تسخیر این مفاهیم در بیاورند و از طریق به انحصار درآوردن مفاهیم زبانی و استفاده از واژگانی چون «یاری‌گری الله مقتدر» (بیانیه ۶ شهریور ۱۳۹۳) حرکات تروریستی خویش را بر مبنای فضایل معنوی استوار سازند و آن را گامی در جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران بدانند. از این رو گروه سعی دارد با استفاده از رویکرد گفتمانی، مفاهیم دال‌های شهادت، اجر الهی مبارزه و بر حق بودن، خشونت و جهاد را تثبیت کند و از این طریق، قانون شکنی، ناامنی اجتماعی، خشونت‌های افراطی بر ضد حکومت و مردم عادی را به نام گفتمان مبتنی بر عدل نمادین توجیه کند و از این طریق با گفتمان حکومتی جمهوری اسلامی ایران به تعارض برخورد.

- دال جلوگیری از تجهیز مذهبی: بیانیه‌های این گروه در سال ۱۳۹۳ بی‌احترامی نکردن صریح به شخصیت‌های مذهبی، عدم توهین دینی - مذهبی و یا عقیدتی به اهل بیت و یا اعلام تضادهای دینی با تمسک به آموزهای اهل سنت را در خود دارا می‌باشد. این گروه اگرچه بر طبق اندیشه‌های بنیادگرایانه و خشن خویش به گونه‌ای شدید و تکفیری نسبت به عقاید شیعی در تضاد می‌باشند، اما در بیانیه‌های خویش این تضاد را به نحوی صریح مشخص نمی‌سازد و به صورت پنهانی در این زمینه عمل می‌کند.^۱

- دال یارگیری جهانی: این گروه، خودی‌های خویش را در طیفی گسترده مورد مطالعه قرار می‌دهد و در صدر توجه خویش با اعلام همسنگری با جامعه مسلمانان جهان، اهل سنت ایران را نیز زیرمجموعه برحق از جامعه پاکدینان می‌داند و پس از آن، ملت غیور بلوچستان را به عنوان آخرین حلقه از خودی‌ها معرفی می‌نماید و از این شیوه درصد کسب پایگاه اجتماعی برای خویش است. (بیانیه ۳ آبان ۱۳۹۳) دایره خودی و غیر خودی در جهت مبارزه با جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده این گروه می‌باشد.

- عناصر چانه‌زنی و باج‌گیری: یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های این گروه باج‌گیری می‌باشد تا از طریق فشار امنیتی بر دولت و افکار عمومی سعی در به دست آوردن اهداف خویش داشته باشد. «امید است که راه چانه زنی در آینده مسدود نشود». (بیانیه ۶ اردیبهشت ۱۳۹۳) این علاقه به چانه‌زنی می‌تواند نشانه بارزی از رابطه برخی نخبگان ذی‌نفع با این گروه باشد و از این رو تحلیل خواست‌های این گروه ذی‌نفع می‌تواند، عناصر حمایت‌کننده و سودبرنده از آن را نیز مشخص سازد. برای فرآیند حل مشکل به صورت موقتی می‌توان از متغیرهای داد و ستدهای سیاسی سود جست و مبارزه با این گروه را از سطح امنیتی فراتر برد. مصادق بارز این چانه‌زنی را در آزادسازی گروگان‌های مرزی توسط این گروه می‌توان تشخیص داد. اگرچه این گروه به دلیل وجهه خشونت باری که دارا است به هیچ اصول و روش معینی متعهد نمی‌باشد.

۱. نگارنده در هیچ یک از بیانیه‌های مورد بررسی توهین صریح و هتک حرمت نسبت به شعایر مذهبی شیعی پیدا نکرد. این گروه تروریستی خصومت خویش با اصول شیعی را در این بیانیه‌ها به نحو صریح ابراز نمی‌دارد و خصومت بنیادگرایانه، افراطی و تکفیری خویش را پوشیده نگاه می‌دارد.

- استفاده از اسناد بین‌المللی برای مشروعیت‌سازی: این گروه با استفاده از بیانیه‌های سازمان ملل و مجامع جهانی سعی در ساخت مشروعیت بین‌المللی برای خویش به عنوان جنبش مقاومت ملی و رهایی‌بخش دارد تا از این طریق حمایت کشورهای دموکرات را نیز به خویش معطوف سازد. این گروه خود را به عنوان گروهی برای اصل دموکراتیک دفاع مشروع تلقی و اعلام می‌کند که از آن تعدی نخواهد کرد:

اسناد سازمان ملل و مخصوصاً حقوق مردم بومی، تغییر نام‌های مکان‌ها، تغییر زبان‌ها و فرهنگ‌ها، تغییر جمعیت شهرها، سیاست‌های فقیرسازی، بیمارسازی و تقلیل جمعیت اقوام و ملت‌های درون یک کشور را ممنوع دانسته و اگر دولتی دست به چنین کاری بزند ناگزیر شرایط لازم را برای ملت‌ها و اقوام مربوطه برای حق جدایی طلبی فراهم می‌آورد. (بیانیه ۱۹ تیرماه ۱۳۹۳)

تثبیت دال‌های معارض و نمادین در تعارض با ج.ا.ا توسط بیانیه‌های گروه جیش‌العدل

۱. استفاده از دال تهدید، ترور و انتقام برای تعارض با جمهوری اسلامی ایران
مفهوم و دال انتقام، در خوانش بیانیه‌های این گروه تروریستی در تعارض با ج.ا.ا ایران بسیار با اهمیت است. این گروه سعی می‌کند آن را به وقفه‌ای برای ساخت مشروعیت نمادین خویش در مقابله با نظام ج.ا.ا ایران تبدیل کند. از این رو بر ضد حکومت و نظام با تغییر مفاهیم غالب نزد افکار عمومی در مورد شهادت، از خودگذشتگی، ملیت، ناسیونالیسم و علاقه دینی به ایران اسلامی، این مفاهیم را به گونه‌ای دیگر تفسیر کند و از این طریق سعی در مشروعیت‌بخشیدن به اعمال خلاف انسانی و ضد حقوق بشری خود به صورت نمادین داشته باشد.

نکته مهم پیرامون دال انتقام، استفاده از واژگان تهدید در انتهای بسیاری از بیانیه‌های این گروه می‌باشد. واژگان تهدید نسبت به «دیگری» و «آنها» خبر از ایجاد شرایط مشروعیت‌بخش برای حمله مجدد و تداوم گروهک تروریستی در مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. اعلام خواسته‌های نامشروع و به دور از عقلانیت و غیر ممکن به عنوان شرط لازم برای عدم حمله، نشان از علاقه این گروه و عناصر ذی‌نفع آن به افزایش حملات و تداوم خشونت دارد. از آنجا که خواسته‌هایی مانند «ترک منطقه و واگذاری امنیت و حاکمیت به صاحبان حقیقی و بومی» امری غیر ممکن است، شرایط را برای «سخت‌ترین کنش‌های دفاعی سازمان» فراهم می‌آورد. از این رو گروه با معرفی کردن خود به عنوان گروه انتقام‌گیرنده، موضع دفاعی خویش را مستحکم‌تر می‌کند. (بیانیه ۲۷ شهریور ۱۳۹۳)

این سازمان با ادعای اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از ترور استفاده می‌کند و «ترورهایی دولتی در جهت حذف مخالفان صورت می‌گیرد و حتی رهبران جهادی در خارج از مرزها نیز به شهادت می‌رسند» (بیانیه ۸ شهریور ۱۳۹۳) علاوه بر نشان دادن اهمیت نخبگی در حفظ موجودیت این گروه و اهمیتی که رهبران این گروه در شکل‌دهی به فرآیند تروریسم دارند، درصدد بخشیدن وجهه دفاعی به اعمال تروریستی خود نیز می‌باشد.
واژگان انتقام به عنوان یک دال مشروعیت‌بخش برای اعمال به دور از انسانیت این گروه یک واژگان

دوطرفه معنا می‌گردد. در واژه انتقام، این معنی نهفته است که در صورت عمل خشونت‌بار گروه مقابل، دیگری نیز این حق را بر خود متصور می‌بیند که انتقام را در دستور کار خویش قرار دهد. از این رو جیش‌العدل با ساخت دال مشروعیت‌بخش انتقام، سعی در توجیه نمادین اعمال تروریستی خویش دارد. این گروه در بیانیه‌ای، دستگیری اعضای خویش در سراوان و سرپاز را به عنوان عامل انتقام رژیم معرفی می‌کند (بیانیه ۲۵ مهر ۱۳۹۳) و در بیانیه‌ای دیگر نیز جواب به خشونت دولتی بر ضد هر بلوچ را همراه با انتقام گروه تروریستی می‌داند و می‌خواهد آن را با گلوله‌ای سرخ پاسخ دهد. (بیانیه ۲۳ مهر ۱۳۹۳) از این رو انتقام را در جواب خشونت مشروع معرفی می‌نماید تا از این طریق تعارض گروه را با نظام جمهوری اسلامی ایران امری همیشگی کند.

۲. ادعای عدل قومی به عنوان دال مرکزی تعارض با جمهوری اسلامی ایران

بیانیه ۲۰ مهرماه این گروه را می‌توان به زعم خودشان بیانیه‌ای ترغیب‌کننده، منطقی و تجهیزکننده در فرآیند بسیج منابع و تجهیز گروهی دانست. این بیانیه را می‌توان اعلامیه ترغیب به پیوستن به گروه و گامی در جهت مشروعیت اعمال تروریستی در سطح قومیت بلوچ معرفی کرد. سعی در تثبیت مفهوم حاکمیت فراملی سنی به عنوان دال شناوری که این گروه در شرایط بحرانی قصد تثبیت آن را دارد، مفهومی قابل اهمیت در نوع خواست‌های این گروه می‌باشد. از منظر این گروه تروریستی، شرایط بحران توسط نظام جمهوری اسلامی ایران پدید آمده و موجبات هضم و حذف قوم بلوچ را فراهم آورده است. عموماً گروه‌های تروریستی درصدد این هستند تا با ساخت هویت متوهم برای اعضای خویش و با تعاریفی مشخص از خوب / بد، خدا / شیطان، سیاه / سفید در ذهن نیروهای خویش، بر این مبنا سیستم مرکزی روانی اعضا را به تسخیر در آورده و شرایط را برای اعمال ضد اجتماعی خود فراهم آوردند. (Glass, 1985: 38) این ادعا نقاط مشترک قومیت بلوچ - فارس و همزیستی مسالمت‌آمیز تاریخی و همراه با احترام این دو قومیت را در تک‌تک شهرهای استان سیستان و بلوچستان به دیده اغماض می‌نگرد و با فرض اینکه در شرایط بحرانی، وظیفه خروج از بحران قومیتی را این گروه مبارز بر عهده گرفته است، این نکته را نادیده می‌گیرد که یکی از دلایل اصلی بحرانی شدن وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در برخی از مناطق محروم استان، وجود همین خشونت‌های سازمان‌یافته است.

گفتمان جیش‌العدل، مفهوم حاکمیت را تبعی از مفهوم عدل قومی معرفی می‌داند و راه رسیدن به آزادی را از طریق عدل معرفی می‌کند و از این دال در جهت مشروعیت‌بخشی به اعمال خویش در مقابله با نظام جمهوری اسلامی سود می‌برد. عدل قومی از منظر این گروه، طیف گسترده‌ای از خواست‌ها را در بر دارد. از سویی نوعی فدرالیسم‌خواهی را با مقاومت خشونت‌بار در پیش می‌گیرند:

تنها راه امنیت در بلوچستان ترک منطقه و واگذاری امنیت و حاکمیت به صاحبان حقیقی و بومی می‌باشد. ... راه ما راه مقاومت در راستای آزادی از ستم و رسیدن به عدالت است. (بیانیه ۲۰ مهر ۱۳۹۳)

ترک بلوچستان، تنها راه برگشت امنیت به بلوچستان است. (بیانیه ۵ شهریور ۱۳۹۳)

از سوی دیگر، جست و جوی عدل را در ضعف‌های ساختاری استان نشان می‌دهد و با استفاده از این حربه درصدد یارگیری و بسیج منابع‌اند: «ملت بلوچ که در سرزمین مادری خویش مورد ظلم و تبعیض و عدم عدل قرار گرفته است و فقر، بیکاری و ظلم و جنایت بیداد می‌کند». (بیانیه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۹۳)

از این رو در فرآیند شکل‌گیری عدل بایست همه افراد قومیت در یک موضع مشترک عمل کنند و «اگر ملت بلوچ به حمایت و دفاع از سرزمین، سرمایه‌ها، هنرها، عقاید موجود در آن بیانخیزند و بر روی سکوی دفاعی منسجم متحد نشوند، باید بدانند که به آسانی هضم و حذف می‌شوند». (بیانیه ۲۰ مهر ۱۳۹۳) «سکوی دفاع منسجم هویتی» که شرایط را برای عدم هضم هویتی این گروه فراهم می‌آورد، در جهت بنیادگرایی هویتی تکفیری است و با بازتولید اصول عشیره‌ای سعی می‌کند تا در مقابل حمله بی‌امان مدرنیته به سنت‌های افراطی بایستد و همه گروه قومی را با استفاده از حربه هویتی، زیر چتر گروه، رهبری کند. از این رو «جلوگیری از تاریکی وضع کنونی» توسط این گروه مبارز به عنوان هدف نمادین در صدر توجه قرار می‌گیرد که با استفاده از این حربه سعی در یارگیری و بسیج اجتماعی خویش دارد. همان‌طور که بیان گردید این گروهک تروریستی برای اعمال خلاف انسانی خویش هیچ‌گونه دستاویزی جز اینکه خود را وابسته به منافع قومی نشان دهد، ندارد.

این گروه درصدد سود بردن از ویژگی مذهبی جامعه بلوچستان است و عوامل معنوی مشروعیت‌بخش بدین گروه را می‌توان از سیاست اعلانی و بیانیه‌های آنان به خوبی یافت که چگونه از احساسات مذهبی برخی ناآگاهان قومی در جهت امیال خویش در مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند. عوامل معنوی که به عنوان متغیرهای تسهیل‌کننده و مشروعیت‌بخش عمل تروریستی برای این گروه مطرح می‌گردند، در حول محور عدل جمع می‌شوند. مفهوم عدل به عنوان دال مرکزی در تمامی بیانیه‌های این گروه به عنوان عنصر شروع‌کننده بیانیه معرفی می‌گردد. مفهوم عدل گستره‌ای از عوامل مادی و هویتی را شامل می‌شود. در مفهوم هویتی می‌توان عدل را تابعی از آزادی‌های هویتی و عدم تبعیض‌های فرهنگی دانست. مفهوم آزادی (بیانیه ۲۱ شهریور ماه سعی در تبیین شاخص‌های آن دارد) در عرصه هویتی به: «دفاع از دین و سرزمین»، «ظلم و جنایت در اهل سنت»، «شکل‌گیری تبعیض»، «عدم برابری حقوقی» اشاره دارد که در زیرمجموعه «کسب آزادی و حمایت از هویت و اصالت» صورت می‌پذیرد. (بیانیه ۲۱ شهریور ۱۳۹۳)

در مبحث شاخص‌های عدل در عرصه‌های مادی نیز نشانه‌هایی مستقیم از خواست‌های اعلانی این گروه مشاهده می‌گردد. به عنوان مثال از آنجایی که عدم کارآیی بروکراسی و نظام را ناشی از عدم تعهد کارکنان به پیشرفت و توسعه استان می‌دانند، بایست در جهت افزایش کارآیی بروکراسی دولتی تلاش‌های بسیاری صورت گیرد تا از این طریق، این حربه دروغین مشروعیت‌بخش از گروه گرفته شود. احتکار مدیریت و حاکمیت (ناکارآیی بروکراسی) در بیانیه‌های این گروه جایگاهی اساسی را دارا می‌باشد. این گروه از ناکارآمدی برخی ارگان‌ها در جهت خواست‌های خویش سود می‌برد و اعلام می‌دارد:

کلیه پرسنل غیربومی ادارات به صورت برنامه‌ریزی شده جهت اشغال شغل‌ها و در جهت عقب ماندگی آموزشی و فقر فرهنگی در بلوچستان در حال فعالیت هستند. (بیانیه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۹۳)

از این رو تنها راه مقابله با ناکارایی اداری در مناطق بلوچ را در «واگذاری حاکمیت و ادارات به صاحبان حقیقی و بومی» (بیانیه ۲۷ شهریورماه ۱۳۹۳) معرفی می‌کند و از این طریق از ناکارایی دستگاه‌های اداری در استان سوء استفاده می‌نماید و نقطه تمرکز یاریگری و بسیج منابع خویش را از بین اقصای بلوچ از جوانانی می‌داند که از معضل بیکاری و ناکارآمدی بروکراسی در تنگنا قرار گرفته‌اند:

از همه فرزندان اهل سنت بالاخص جوانان غیور و مردان دلیر بلوچ تقاضای پیوستن و ایستادگی در برابر تهاجمات گسترده دشمن داریم. (بیانیه ۵ مرداد ۱۳۹۳)

آنها دلیل استمرار این تبعیض‌های مادی و معنوی را نیز در «سکوت سرد و مصلحت بی‌منفعت قومی» می‌داند و از این رو در صدد علنی کردن شورش و تبدیل آن به یک قیام مردمی با استفاده از نیروی جوان است.

خلاء سنگر دفاعی منسجم و مستحکم، فرصت را برای خیانت و قتل عام بیشتر ملت بلوچ فراهم می‌آورد و با درک وجود این خلاء، نیازمند حمایت از سازمان جیش‌العدل می‌باشیم تا با یاریگری یکدیگر در سایه این سازمان به حقوق اساسی خویش در بعد مذهبی و ملی برسیم. (بیانیه ۱۹ تیرماه ۱۳۹۳)

این‌گونه است که بیانیه‌های گروه به صورتی فرآیندگونه بر مخاطب ساده لوح این گروه تأثیر می‌گذارد و این گروهک را به جای تروریستی بودن به صورت نمادین و دروغین احقاق کننده حقوق قومی معرفی می‌نماید. از سویی دیگر در فرآیند ناکارایی بروکراسی در این منطقه بار دیگر غیریت‌سازی و تهدید علیه آن در دستور کار بیانیه‌ای قرار می‌گیرد و در تهدیدی مستقیم اعلام می‌نماید که امکان سرایت حرکات و مواضع تروریستی به مردم عادی، علی‌الخصوص کارمندان غیربومی وجود خواهد داشت:

غیر بومیان شاغل در ادارات و ارگان‌های نظامی و غیره بایست به صورت خودجوش و شخصاً تا پایان مهلت مذکور [پایان سال ۱۳۹۴] در جهت انتقال خویش درخواست نمایند، زیرا رژیم حکم انتقالی برای آنان صادر نخواهد کرد و خواهان کشته شدن آنان در بلوچستان است. (بیانیه ۳۱ مرداد ۱۳۸۳)

از این رو تهدید به قتل برای مقابله با ناکارآمدی ادارات را در دستور کار خویش قرار می‌دهد و به سادگی از این حربه در تهدید صریح جان و مال افراد غیر بومی در منطقه سود می‌برد.

راهبردهای گفتمانی مبارزه جمهوری اسلامی با گفتمان گروهک تروریستی جیش‌العدل
ریشه‌یابی تروریسم در جهان کنونی به عنوان پدیده‌ای چند وجهی بایست صورت گیرد و کاوش تک متغیره این پدیده راهی برای بهبود مطالعات در این زمینه نخواهد بود. امروزه توجه به عناصر

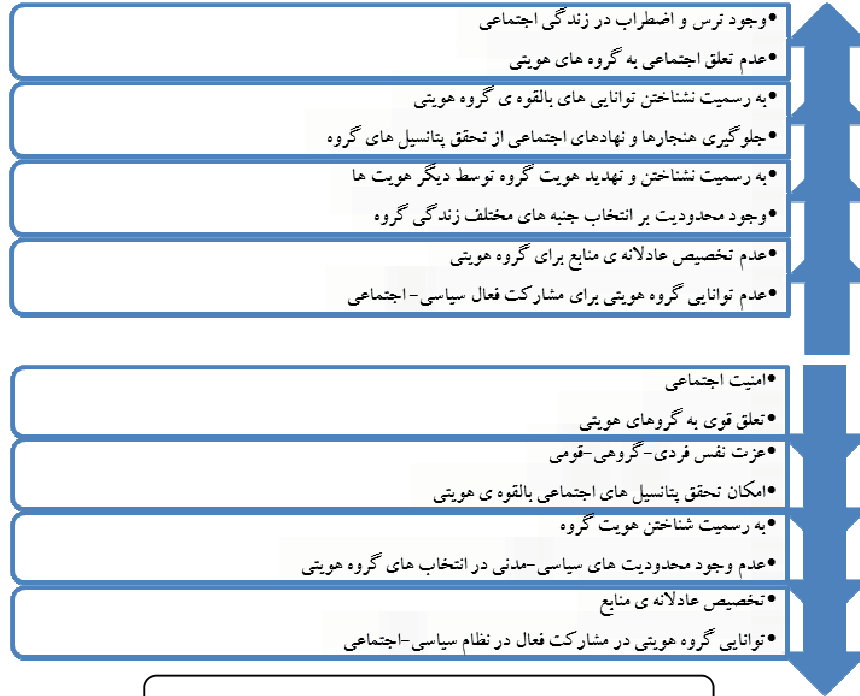
هویتی - گفتمانی یکی از وجوه با اهمیت توضیح دهنده این پدیده در عرصه‌های آکادمیک بین‌المللی است. (Merari and Friedland, 1985: 185) امروزه تروریسم در جوامع قومی مبدل به پدیده‌ای عمومی گردیده است که هیچ مرز و سیستمی آن را محدود نمی‌کند. جان برتون نشان دادن اهمیت رویکرد سازه‌نگاری در بحث تروریسم‌شناسی می‌گوید:

رئالیست‌ها زمانی مسئله منازعات را حل شده می‌دانند که قدرت به اندازه کافی استفاده شده باشد و از سویی دیگر آرمان‌گرایی و لیبرالیسم نیز مورد نقد است؛ زیرا برای حل و فصل ریشه‌ای تعارضات تکیه صرف بر روابط می‌نماید و این رویکردها عملکرد قابل قبولی را ارائه نمی‌دهند و شاخص‌های هویتی تروریسم را بررسی نمی‌کنند. (Burton, 1990: 295)

گروهک تروریستی جیش‌العدل و بیانیه‌های این گروه نشان می‌دهد که چگونه از حربه‌ها در جهت مشروعیت‌بخشی به خویش استفاده می‌کند. در رویکرد گفتمانی، پرخاشگری‌های عرصه داخلی و نظام بین‌المللی عنصری منشعب از ذات بشر تلقی نمی‌گردد و راهکارهای مقابله و حل کردن ریشه‌ای تعارضات را در راهکارهایی فراتر از روش‌های امنیتی جست و جو می‌نماید و با استفاده از رویکرد جامعه‌شناختی بر این اعتقاد می‌باشد که اگر برخی از شرایط اجتماعی بهبود یابند، در این شرایط گروه‌های تروریستی نمی‌توانند از کوچک‌ترین ناموزونی‌های کارکردی - ساختاری در جامعه قومی، درصد نهادینه کردن خشونت استفاده کنند.

طرفداران رویکرد هویتی در تحلیل منشاء خشونت‌های داخلی و بین‌المللی بر این اعتقادند که یکی از عوامل اصلی جنگ‌های طولانی و مقاوم در جوامع قومی - شکننده این گونه شکل می‌گیرد که مردم برای رفع نیازهای برآورده نشده هویتی فردی - گروهی خویش دست به خشونت می‌زنند. (Northrup, 1989: 55-82) شکل‌گیری گروه‌های تروریستی از سال ۱۳۸۲ و شدت‌گیری این گروه‌ها در منطقه سیستان و بلوچستان، ذهن محققان را نسبت به این مسئله حساس می‌سازد که چگونه با شدت‌گیری و راهبردهای نظامی - امنیتی - اجتماعی در این منطقه همچنان این گروه‌ها به عضوگیری از افراد طرد شده از اجتماع می‌پردازند و با ارائه بیانیه‌هایی درصد بازتولید مشروعیت برای خویش می‌باشند. این نگاشته بر این اعتقاد است که توجه به عوامل کاهش دهنده مشروعیت گفتمان تروریسم در این استان همچنان که در نمودار زیر بیان گردیده است، می‌تواند به عنوان راهکاری ریشه‌ای و بلندمدت در مقابله جمهوری اسلامی ایران به عنوان گفتمانی موفق در عرصه حکومت‌داری با این گروه‌های تروریستی باشد و مبارزه با این گروه تروریستی در سطح گفتمانی می‌باشد و بایست عناصر مشروعیت‌بخش گفتمانی این گروه در سطح جامعه بلوچستان به گونه‌ای ریشه‌ای مورد توجه قرار گیرد. نمودار زیر عوامل هویتی تروریسم در رویکرد جان برتون را نشان می‌دهد:

عوامل مشروعیت‌بخش به گفتمان گروه‌های تروریستی



عوامل مشروعیت‌زدا از گفتمان گروه‌های تروریستی

نتیجه

در نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف، زبان به عنوان ابزاری برای کنش اجتماعی شرایطی را فراهم می‌آورد که گروه‌های تروریستی برای پیروز شدن و تسخیر اذهان شنوندگان به برقراری رابطه دو سویه احساسی و تأثیرگذار با آنان بپردازند و با در نظر گرفتن کم و کاست‌ها و خواست‌های مخاطبان خویش سعی در همراهی آنان با گفتمان موجود داشته باشند. از این رو شناخت لایه‌های زیرین و عناصر مشروعیت‌بخش درون گفتمانی این گروه‌ها، برای شدت‌دهی به اعمال تروریستی راهکاری اساسی در مقابله هم‌مونیک با این گروه‌ها می‌باشد. شدت‌گیری عملیات‌های تروریستی در منطقه جنوب شرق کشور نشان از این مقوله دارد که حل ریشه‌ای این تعارضات بایست در سطح نهادینه‌تری جست و جو گردد. این پژوهش بنا بر فقر آکادمیکی که در زمینه بزرگ‌ترین معضل داخلی امنیت ملی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی، یعنی گروه‌های تروریستی خشونت‌بار در استان سیستان و بلوچستان وجود داشت با استفاده از منابع دست اول این گروه‌ها و بیانیه‌های تروریستی

آنان در سال ۱۳۹۳ سعی در پیدا کردن گفتمان غالب بر آنان داشته است. یافته‌های این پژوهش علاوه بر مشخص کردن حربه‌های عملیاتی این گروه و شاخص‌هایی که با آن، خود را به جامعه بلوچ به صورت دروغین متصل می‌بینند، سعی در پیدا کردن زنجیره‌هایی از دل‌هایی داشت که این گروه با استفاده از آنان سعی در بسیج و تجهیز برای مقابله خشونت‌بار با نظام سیاسی دارد.

از این رو با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موف باید گفت فضای سیاسی در جامعه استان سیستان و بلوچستان، فضای گفتمانی است که گروه‌های تروریستی با استفاده از کوچک‌ترین حربه‌ها سعی در نشان دادن نمادین این نکته خواهند داشت که در پی احقاق حقوق قومی می‌باشند.

یکی از اصلی‌ترین دلایل شکل‌گیری و تداوم این گروه‌های تروریستی را در عین ضدیتی که حتی اهل تسنن نسبت به پیدایش این گروه‌ها دارند، می‌بایست در عناصر مشروعیت‌بخش گفتمانی بدین گروه جستجو کرد و متوجه بود که تا زمانی که عناصر مشروعیت‌بخش این چنینی در محیط استان سیستان و بلوچستان وجود عینی - ذهنی داشته باشد، محیط اجتماعی این استان برای شکل‌گیری گروه‌های خشونت‌بار فضای خوبی را مهیا می‌سازد.

منابع و مأخذ

۱. بیانیه ۲۵ آبان ۱۳۹۳ در مورد اعدام دو نفر از اعضاء گروه.
۲. بیانیه ۱۹ آبان ۱۳۹۳ در مورد ریشه‌های ناامنی در استان سیستان و بلوچستان.
۳. بیانیه ۳ آبان ۱۳۹۳ در مورد سالگرد کشته شدن چندی از نیروهای گروه.
۴. بیانیه ۲۵ مهرماه ۱۳۹۳ در مورد دستگیری فردی به نام فضل الرحمن توسط دولت.
۵. بیانیه ۲۳ مهرماه ۱۳۹۳ در مورد عملیات تروستی در دوراهی جاده بندیگانی روستای رئیس آباد.
۶. بیانیه ۲۰ مهرماه ۱۳۹۳ در مورد دستگیری دولتی تعدادی از اعضاء گروه.
۷. بیانیه ۲۰ مهرماه ۱۳۹۳ در مورد عملیات تروریستی در منطقه جیکگور.
۸. بیانیه ۱۷ مهرماه ۱۳۹۳ در مورد حمله تروریستی به پاسگاه مرزی کوهک و کله‌گان.
۹. بیانیه ۱۶ مهرماه ۱۳۹۳ در مورد حمله تروریستی به پاسگاه.
۱۰. بیانیه ۲۷ شهریورماه ۱۳۹۳ در مورد حمله تروریستی به خودروی دولتی.
۱۱. بیانیه ۲۲ شهریورماه ۱۳۹۳ در مورد حمله به خودروی سپاه پاسداران در منطقه کوهک.
۱۲. بیانیه ۲۱ شهریورماه ۱۳۹۳ در مورد جزئیات حمله تروریستی به پاسگاه مرکزی آسکان سراوان.
۱۳. بیانیه ۱۸ شهریورماه ۱۳۹۳ در مورد حمله تروریستی به پاسگاه آسکان.

۱۴. بیانیه ۱۵ شهریورماه ۱۳۹۳ در مورد اعلام ویژگی‌های سازمان تروریستی جیش‌العدل.
۱۵. بیانیه ۸ شهریورماه ۱۳۹۳ در مورد تکذیب دست داشتن در ترور عبدالرئوف ریگی.
۱۶. بیانیه ۶ شهریورماه ۱۳۹۳ در مورد خبر کشته شدن عبدالرئوف ریگی.
۱۷. بیانیه ۵ شهریورماه ۱۳۹۳ در مورد حمله به یگان نیروهای مرصاد در منطقه سرباز.
۱۸. بیانیه ۳۱ مردادماه ۱۳۹۳ در مورد خواسته‌های گروهک تروریستی جیش‌العدل.
۱۹. بیانیه ۵ مردادماه ۱۳۹۳ در مورد بیانیه استفاده تجهیزاتی از عید فطر توسط گروه تروریستی.
۲۰. بیانیه ۱۹ تیرماه ۱۳۹۳ در مورد هویت ملی قومیت بلوچ.
۲۱. بیانیه ۲۹ خردادماه ۱۳۹۳ در مورد کشته شدن یکی از اعضاء گروه.
۲۲. بیانیه ۱۵ اردیبهشتماه ۱۳۹۳ در مورد عملیات تروریستی در بازارچه مرزی کوهک.
۲۳. بیانیه ۶ اردیبهشتماه ۱۳۹۳ در مورد اعدام سه نفر از مجرمین ترور دادستان زابل.
۲۴. بیانیه ۳۰ فروردینماه ۱۳۹۳ در مورد سه عملیات تروریستی بر ضد نیروهای دولتی.
۲۵. بیانیه ۲۴ فروردینماه ۱۳۹۳ در مورد نشست شورای مرکزی گروهک تروریستی جیش‌العدل.
۲۶. بیانیه ۲۱ فروردینماه ۱۳۹۳ در مورد استفاده از هربه ضعف سیستم آموزش و پرورش بلوچستان.
۲۷. بیانیه ۲۱ فروردینماه ۱۳۹۳ در مورد حسن نیت و تعهد به منشور جهانی حقوق بشر برای اسراء.
۲۸. بیانیه ۱۷ فروردینماه ۱۳۹۳ در مورد آزادی پاسداران توسط گروهک تروریستی.
۲۹. بیانیه ۱۲ فروردینماه ۱۳۹۳ در مورد دادن فرصت رایزنی و مذاکره در خصوص اسراء.
۳۰. بیانیه ۳ فروردینماه ۱۳۹۳ در مورد اعدام یکی از پاسداران اسیر.
۳۱. پایگاه جهانی تروریسم: GTD (2013) Global Terrorism Database.
۳۲. سلطانی، علی اصغر، ۱۳۸۴، *قدرت گفتمان و زبان*، تهران، نشر نی.
۳۳. مارش و استوکر، ۱۳۸۷، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.

34. Burton Conflict, John, 1990, *Resolution and Provention*, New York, St. Martin's Press.
35. Glass, James M, 1985, *Delusion: Internal Dimensions of Political Life Chicago*, University of Chicago Press.
36. Laclau, E, Mouffe, C, 1985, *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*, Londen, Verso.
37. Laclau, Ernesto (ed), 1994, *The Making of political Identities*, Londen, Verso.
38. _____, 1993, *Discourse*, Oxford, Blackwell.

39. Merari, Ariel and Nehemia Friedland, 1985, "Social Psychological Aspects of Political Terror-ism", *Applied Social Psychology Annual*, 6.
40. Norrick, K, N, R, 2001, Discourse and femantiesin Schiffrin,D and hamilton,H,E(ed) *the Handbook of Discourse Analysis*,Oxford Blackwell.
41. Northrup, Terrell A., 1989, "The Dynamic of Identity in Personal and Social Conflict," in *Intractable Conflicts and their Transformation*, ed. Louis Kriesberg, Terrell A. Northrup and Stuart J. Thorson (Syracuse, New York: Syracuse University Press).
42. Wilkinson, Paul, 2001, "*Response to Terrorism from the Toolbox of Liberal Democracies: Their Applicability to Other Types of Regimes.*" Proceedings of the International Conference on "Countering Terrorism Through Enhanced International Cooperation" Italy.